

بررسی تطبیقی آزادی بیان در قرآن عظیم الشان و اعلامیه جهانی

حقوق بشر

نویسنده: محمد اسماعیل احمدی

پوهنځی حقوق، پوهنتون زاول، کابل، افغانستان

نشانی برقی: M.asmaelahmadi@gmail.com

چکیده

امروزه نقش و حضور رسانه های آزاد و رسالت مند در مسیر تغییر و تحول اندیشه های فردی، خرد جمعی و فرهنگی ملت ها و حتی در ظهور و زوال قدرت های سیاسی و اقتصادی برای همگان امری پذیرفته شده و انکارنا پذیر تلقی میشود. آزادی بیان و رسانه یکی از ضرورت ها و نیازهای اجتناب ناپذیر در دنیای سنتی و مدرن و همچنان حقی از حقوق مسلم انسان شناخته شده است. با عنایت به همین احتیاج قرآن کریم در آیات متبرکه زیاده به گونه های مختلف و مناسبت های جداگانه آزادی بیان را برای انسان به عنوان حقی از حقوق انسان به رسمیت شناخته است. آزادی بیان در همه ی اسناد و میثاق های بین المللی و بویژه در متن اعلامیه ی جهانی حقوق بشر نیز به عنوان حق انسانی معرفی شده است. از منظر اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی هیچ کسی حق ندارد که انسانی را از این حق ذاتی و قراردادی منع و محروم کند. ماده ی ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق حقوق سیاسی و مدنی سازمان ملل، همگان را مکلف میدارد که از حق آزادی بیان پاس داری نمایند. قرآن کریم و اعلامیه جهانی حقوق بشر قید و بندهایی را در نظر گرفته اند که گاهی آزادی بیان را بخاطر حفظ منافع و مصالح اجتماعی، اخلاقی و ملاحظات امنیتی و دلایل مؤجه دیگر محدود و مقید می کنند.

اصطلاحات کلیدی: آزادی، آزادی بیان، اعلامیه ی جهانی، حقوق بشر، رسانه، قرآن.

A Comparative Analysis of Freedom of Expression in the Holy Qur'an and the Universal Declaration of Human Rights

Author: Mohammad Ismail Ahmadi

Faculty of Law, Zawul University, Kabul, Afghanistan

Email: M.asmaeelahmadi@gmail.com

Abstract

Today, the role and presence of free and responsible media in shaping individual thought, collective wisdom, and the culture of nations—as well as in the rise and decline of political and economic powers—are widely recognized and considered undeniable. Freedom of expression and freedom of the media are among the essential and indispensable requirements of both traditional and modern societies and are universally acknowledged as fundamental human rights. In recognition of this vital necessity, the Holy Qur'an affirms freedom of expression in numerous verses, through various forms and contexts, as one of the inherent rights of human beings. Likewise, freedom of expression is recognized as a fundamental human right in all major international instruments and conventions, particularly in the Universal Declaration of Human Rights. According to both the Universal Declaration of Human Rights and the Cairo Declaration on Human Rights in Islam, no individual may be deprived of this inherent and legally recognized right. Article 19 of the Universal Declaration of Human Rights and Article 19 of the International Covenant on Civil and Political Rights obligate all states and individuals to respect and protect the right to freedom of expression. Nevertheless, both the Holy Qur'an and the Universal Declaration of Human Rights recognize certain limitations on this right. In specific circumstances, freedom of expression may be restricted in order to safeguard public interests, social morality, national security, and other legitimate considerations.

Keywords: Freedom, Freedom of Expression, Universal Declaration of Human Rights, Human Rights, Media, Holy Qur'an.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین محمد و علی آلہ و أصحابه أجمعین.

مبهرن است که رسانه‌ها رکنی از ارکان اساسی و مهم در تحولات اجتماعی، انقلاب‌های فرهنگی و سیاسی در زندگی امروز، اثر گذاشته است و بگونه‌ای که قوه چهارم نظام‌ها و دولت‌های مدرن خوانده شده است. شخصیت‌ها، سازمان‌های سیاسی، بنگاه‌های اقتصادی، تجارتی و سایر نهادهای اجتماعی در کشورها و جوامع مختلف برای توسعه و پیشرفت‌های خود در عرصه‌های مختلف کاری و برنامه‌ها، ناگزیراند که به رسانه‌ها متوسل شوند و از آنها استفاده نمایند. امروز هیچ مورد از زاویه رسانه‌های حقیقت جو کتمان نمی‌ماند؛ و خدمت و خیانت‌های دولت‌ها، سازمان‌ها و شخصیت‌ها توسط کار، فعالیت‌های مسلکی و شگردهای رسانه‌های بیدار به نحو مستمر به مردم ابلاغ و اطلاع رسانی می‌گردد و مردم هم در پرتو اطلاعات رسانه‌ها در امر نظارت از کار دولت‌ها و سازمانها نقش ایفاء می‌کنند. چند سال قبل در شکل‌گیری موج مردمی بهار عربی در خاورمیانه و همچنان ظهور و افول بیماری کرونا در سطح جهان نسبت به هر ابزار دیگر رسانه‌های محلی و بین‌المللی نقش بارزی داشت.

چیزی که رسانه‌ها را تقویت می‌کند آزادی بیان و عدم دخالت جهت‌ها و سازمان‌ها در کار رسانه‌ای است. سانسور و اعمال محدودیت‌ها است که سرشت و سرنوشت رسانه‌ها را مختل و حتی نقش آنها را تقلیل می‌دهد. کار رسانه وقتی سودمند و تأثیرگذار تلقی می‌گردد که اصل آزادی بیان و رسانه از سوی دولت‌ها و سازمان‌ها رعایت شود؛ و ارزش اساسی کار رسانه بستگی به آزادی بیان است. اگر آزادی بیان وجود نداشته باشد فعالیت رسانه‌ها کاملاً منفعل است. به همین خاطر آزادی بیان در طول تاریخ بشر یکی از دغدغه‌های کلان انسان در جهان و بویژه برای عالمان، متفکران، نویسندگان، محققان، شاعران، سخنگویان، سیاست‌مداران، حاکمان و مصلحان اجتماعی و حتی پیامبران الهی بوده است. آزادی بیان و گفتار یکی از مهمترین، پیچیده‌ترین و فراگیرترین انواع آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به حساب می‌آید. آزادی بیان علی‌رغم اینکه خودش، از جایگاه

رفیع و ارزشمند برخوردار است، خیلی ها فراگیر و جامع است؛ با دیگر اقسام و انواع آزادی های فردی و اجتماعی نیز در ارتباط کامل است.

پرسش اصلی تحقیق حاضر این است: آزادی بیان و رسانه از دیدگاه قرآن و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل چیست و حدود و ثغور آزادی بیان در قرآن و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر چگونه است؟

روش گردآوری اطلاعات و داده ها در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای با بهره‌مندی از کتابخانه و منابع الکترونیکی است. روش تحقیق تلفیقی از روش تحلیلی - توصیفی است، چون روش تحلیلی یا توصیفی به صورت جداگانه نمی توانند هدف این تحقیق را برآورده سازند؛ نویسنده کار خود را بر مبنای هر دو روش تحلیلی - توصیفی بنانهاده است. در گذشته آثار مستقلى در این خصوص وجود نداشته و بحث آزادی بیان تنها به صورت جسته و گریخته و نا منظم، در زیر مجموعه مباحث کلی آزادی مطرح شده است. این تحقیق تلاش می‌ورزد که با تمرکز ویژه بر این موضوع، ابعاد مختلف آن را به بحث و بررسی بگیرد.

۲. تعریف آزادی بیان

۲.۱. تعریف آزادی: برخی از نویسندگان در باره ریشه آزادی نگاشته اند که (Freedom) از واژه "اویستایی" آزاته "و یا واژه پهلوی" آزاتیه "گرفته شده اند. (حائر، ۱۳۷۴: ۹) برخی دیگر معتقدند واژه "آزات" بمعنای آزاد، در برخی از اسناد آرامی سده پنجم پیش از میلاد مصر راجع به آزادی یک زن برده بکار رفته است. (همان) واژه آزادی در معانی چون عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیّت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی، خلاص، آزاد مردی، شادی، خرمی، خشنودی و رضا به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۷/۱) "فرهنگ عمید، آزادی را چنین معنا کرده است: آزاد بودن، رهایی، ضد بندگی، رها، یله، رسته و راسته، بی قید و بند" (عمید، ۱۳۶۴: ۱، حرف آ). تحت مالکیت کسی نبودن، فراغت و آسوده خاطر بودن. (انوری، ۱۳۸۲: ۳۱/۱). "آزادی بمعنای اختیار" در برابر "جبر" است. (بابائی،

۱۳۰۶: ۸/۱). بنابراین گزارش ها و نگاشته ها در گذشته ها، آزادی در زبان پارسی در معنای رهایی و ضد بردگی و بندگی انسان به کار گرفته شده است.

آنچه که بیان آن رفت، منوط به معنای لغوی آزادی است. ولی آزادی در فرهنگ اصطلاحات سیاسی، حوزه های فکری و مجال های انسان شناختی در معانی و تعاریف مختلفی دلالت می کند.

با توجه به تناسب و تعامل متقابل میان این دال ها و مدلول ها، با واژه عربی (حریت) قرین و جلیس و هم معنا گزارش گردیده است. "آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد هرکاری را که قانون اجازه داده و می دهد انجام دهد و آنچه که قانون منع کرده و صلاح او نیست مجبوره انجام آن نگیرد". (منتسکیو، ۱۳۷۰: ۱/ ۳۹۴). "آزادی عبارت ازحقی است به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی های طبیعی و خدا دادی خود را به کار اندازند، مشروط برآنکه آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازند." (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۱). "در وسیعترین معانی کلمه حالتی است که درآن چیزی محدود وابسته چیزهای دیگری نباشد بتوانند در فضا جابه جا شود و درمورد انسان حالتی است که در آن "اراده" شخصی برای رسیدن به مقصود خویش به مانعی برخورد نکند." (آشوری، ۱۳۰۳: ۲۰).

"آزادی عبارت از امکان انجام هر امری است که موجب ضرر به دیگران نشود، بدین ترتیب حدود اعمال طبیعی برای هرفرد، همان حدود تمتع ازهمین حقوق برای سایر اعضای جمعیت است. فقط قانون است که این حدود را مشخص می کند. (پاکینه، ۱۳۳۲: ۲۴۲). "منظور از آزادی آن است که در برابر هرکاری که انسان طبق قانون طبعی میخواهد انجام دهد، بدون ضرورت، ممانعتی وجود نداشته باشد، یعنی مانعی برسر راه آزادی طبعی نباشد، مگر آنچه برای خیرجامعه ودولت ضرورت دارد." (محمودی، سیدعلی، نظریه آزادی درفلسفه سیاسی هابز وجان لاک، ۱۵). "آزادی عبارت از آن است که انسان مجبور به اطاعت از اراده انسان دیگری نباشد. آزادی یک فرد، تا آنجا که بتواند با آزادی دیگران برحسب یک قانون همزیستی داشته باشد، تنها حق اصیل و مادر زادی است که هرانسان به مقتضای انسان بودن از آن برخوردار است." (موحد، ۱۳۸۱: ۱۸۷). " مؤلفه می توان آزادی را این گونه تعریف کرد: آزادی فرد یا افراد ازقید فرد یا افراد دیگر برای انجام دادن کار و رفتاری خاص." (بیات، ۱۳۸۱: ۱۰). طباطبائی درتفسیر المیزان درتعریف آزادی چنین آورده است: "آدمی در تمام اعمال و اراده های خود، از قید عبودیت و بندگی غیر خدا، آزاد است و این اگر چه جمله کوتاهی است، ولی از نظر معنی فوق العاده وسیع و دامنه دار است." (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۱۲۴/۴). و همچنین برخی "فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان دانسته اند." (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶) "آزادی عبارت است از سلب مانع ترقی و تکامل." (مطهری، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۳۱). مصباح یزدی که یکی از علماء معاصر ایران است، درتعریف آزادی به این نظر است که باتوجه به این که برداشت

ها و گرایشها و بینش ها و جاذبه های که آزادی دارد، شماری در معنا و مفهوم آن دچار " مغالطه در اشتراک لفظی " شده اند.

از آنچه که بیان شد، چنین برمی آید که آزادی عبارت از مجموعه ی کردارها و گفتارهایی است که هرگاه در یک روند عملیاتی قرار گیرند، به دیگری زیان و ضرر نه رسد. یعنی انسان تا وقتی آزاد است که به دیگری ضرر نرساند و در نتیجه انجام اعمال، رفتار و گفتار او شخصیت حقیقی و حقوقی متضرر نگردد. این گفته در حقیقت در برگرفته همه گفته ها و تعریف هایی است که تاکنون از آزادی ارائه گردیده است.

۲۰۱. **تعریف بیان:** بیان از لحاظ لغوی در فرهنگ عمید بمعنای فصاحت و زبان آوردی و سخن آشکار و فصیح، شرح و تعبیر آمده است. (عمید، ۲۵۳، حرف ب). بیان عبارت است از بروز و تبلور اندیشه ها، تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن. اینگونه تبلور مکونات ذهنی انسان می تواند به شکل نوشتن، هنر، سخنرانی کردن و ... تجلی یابد. (برندگی، بی تا، ۵).

مصادق های دیگر آزادی بیان و رسانه ها در قانون رسانه های همگانی افغانستان اظهار فکر، احساس، انعکاس حقایق توسط گفتار، نوشته، رسم، تصویر، ثبت روی نوار، تمثیل، حرکت و سایر پدیده های علمی، ادبی، هنری و طبع و نشر، خوانده شده است. (قانون رسانه های همگانی، ۱۳۹۰: ماده ۲- بند ۴). آزادی دارای سه مؤلفه اساسی است که مفهوم آن را تشکیل میدهد: ۱- فاعل، آزادی چه کسی؟ ۲- مانع، آزادی از چه چیزی و یا چه کسی؟ ۳- هدف، آزادی برای چه هدفی؟ با توجه به این سه "رها بودن از قید و بند، نبودن مانع و مزاحم برای انجام کاری، اسیر و زندانی نبودن، رهایی و خلاصی، حق اقدام و انتخاب بدون فشار و دخالت دیگران، وارستگی و ترک علایق، برده و بنده نبودن، بنابراین آزادی بیان عبارت است از مجموعه ی گفتار، نوشتار و بروز احساسات، اندیشه ها و اظهارات در رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری است که دیگران از بابت نشر، پخش و اشاعه ی آن ضرر و زیانی را متقبل نشوند.

۳. آزادی بیان در قرآن

قرآن کریم به عنوان متن مستند وحی الهی و یگانه منشور تحریف ناپذیر خداوند متعال برای مسلمانان در طی آیات متعددی به اشکال مختلف به مسئله ی آزادی بیان پرداخته است؛ و اصل آزادی بیان را به حیث یکی از حقوق سیاسی و اجتماعی انسان، مشروعیت بخشیده است. قرآن کریم به صورت کلی و عمومی اقوال و سخنان کافران، معاندان و مخالفان خودش را با کمال امانتداری و بدون کم

و کاست نقل و بیان می کند. فرعون در قرآنکریم شخصی طاغوت، طغیانگر و سرکش معرفی شده است که ادعای خدایی کرده بود و خودش را خدای مردم خوانده بود؛ اما خداوند متعال در قرآنکریم در مقام حکایت از مدعای هیچ و پوچ فرعون اقوال او را همان گونه که بیان کرده بود، بازگو کرده است و چنین میگوید:

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ. القصص: ۳۸

"فرعون گفت ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی شناسم پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز، شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جدا او را از دروغگویان می پندارم."

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى. النازعات: ۲۴

"و گفت پروردگار بزرگتر شما منم."

قرآن کریم در آیت دیگری آن تهمت ها و برجسپ هایی را که منافقان و مشرکان به حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نسبت میدادند، چنین بیان کرده است: وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ. الحجرات- ۶

"و گفتند ای کسی که قرآن بر او نازل شده است به یقین تو دیوانه ای."

قرآن به صورت تلویحی و ضمنی به ما می آموزاند که از نقل سخنان مخالفان هرچند که نادرست هم بوده باشد، ابا نداشته باشیم و اقوال آنان را به دیگران نقل و انتقال بدهیم و در صورت ضرورت آن را نشر و تشریکیم تا همگان در پرتو خرد، اندیشه و موهبت آزادی بیان به نادرستی آن پی ببرند. از سوی دیگر قرآنکریم مسلمانان را به تفکر، تعقل و خرد روزی فرا می خواند و از هرنوع تقلید برحذر میدارد؛ چون آزادی بیان محصول عقل و اندیشه انسان است و زمینه را برای رشد و شکوفایی علمی و فرهنگی فراهم می کند و معرفت و روشنایی پدید می آورد؛ اما تقلیدهای کور کورانه، در واقعیت امر قفل سنگینی بر فکر، عقل و آزادی های انسانی می نهد:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ. البقرة- ۱۷۰

"و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟"

شورا در قرآن کریم در حقیقت جولانگاه به نمایش گذاشتن آزادی های سیاسی و اجتماعی و زمینه ساز تضارب آراء، نظریات و تنوع برداشت ها در جامعه است. شورا محوری و شورا سالاری است که باعث شکل گیری کثرت گرایی سیاسی و ایجاد دیدگاه های سیاسی در جامعه و سرانجام رسیدن وارج نهادن به حقوق و آزادی های سیاسی، اجتماعی و مدنی همه شهروندان می گردد و اگر شورا نباشد، جای آن را استبداد سیاسی و سرکوب آزادی ها و فضای تک رآئی پر خواهد کرد.

شورا به معنای اطلاع یافتن از رأی آگاهان امور و خبره گان و از طریق آن رسیدن به راه و رأی حق و صواب است. قرآن کریم شوری را که تضمین کننده آزادی بیان است، در کنار پذیرش و استجابت فرمان خداوند و اقامه نماز توسط مؤمنان ذکر نموده است: **وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ**. الشوری- ۳۸

"و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میان شان مشورت است و از آنچه روزی شان داده ایم اتفاق می کنند."

شورا و نظرخواهی در صورتی ممکن است که آزادی بیان اندیشه ها و ابراز دیدگاه های متفاوت و حتی مخالف، مد نظر گرفته شود. اگر آزادی بیان و ارائه اندیشه های مختلف در جامعه وجود نداشته باشد، استبداد، تک صدایی و در یک کلام فرعونی گری حاکم می گردد:

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ. غافر - ۲۹

"فرعون باز گفت: جز آن که رأی (به قتل موسی) دادم رأی دیگر نمی دهم (و جز این صلاح نمی دانم) و شما را جز به راه صواب دلالت نمی کنم."

آزادی تحقیقات علمی بی طرفانه در قرآن کریم نیز در آیات مختلف بیان گردیده است که این امر خودش از یک طرف باعث شکل گیری جامعه علمی و غنای دانش بشری شده و از سوی دیگر سبب تقویت، نضج و پختگی عقل و اندیشه انسان می گردد و این آزادی علم و بیانی است که خداوند مسلمانان را به توسل جستن به آن مکلف و مأمور کرده است:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ. العنكبوت - ۲۰

"بگو، در زمین سیر کنید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است. سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند، خداوند بر هر چیز قادر است."

قرآن کریم درجایی به ارزش این مهم این گونه اشاره می کند: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (الابراهيم-۴)

"(ای محمد!) ما هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر این که به زبان قوم خودش (متکلم بوده است) تا برای آنان (احکام الهی را) روشن سازد (و حقایق را تبیین و تفهیم کند). سپس خداوند هرکس را که گمراه ساخته است و هرکس را که رهنمود ساخته است. و او چیره دارای حکمت است."

ابن کثیر در تفسیر این آیه گفته است که "پیامبران الهی بخاطر بیان اهداف و مرام خود، به زبان رایج مردم فرستاده شده اند." (ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۲۰: ۴/۴۷۷).

رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد چنین فرموده اند: لَمْ يَبْعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِلُغَةٍ قَوْمِهِ. (المتفی الهندی، ۱۴۰۱هـ: ۱۱/۴۷۴).

"هیچ پیامبری را خداوند نفرستاده است، مگر این که رسالتش را به قوم خود بیان کرده است."

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ.

الزمر-۱۷

"بشارت ده به آن بندگان که من به سخن گوش فرا می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند. اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان."

يَسْتَمِعُونَ یعنی نقادی می کنند. سبک و سنگین می کنند، ارزیابی می کنند، آنی که بهتر است انتخاب می کنند و از آن بهتر انتخاب شده پیروی می نمایند. یکی از بارزترین صفات عقل برای انسان همین تمیز و جداکردن است؛ جدا کردن سخن راست از دروغ، سخن ضعیف از سخن قوی، سخن منطقی از غیر منطقی. خلاصه این که عقل باید غربالگر. (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۰).

فرق بین سماع و استعما این است که سماع شنیدن و استعما گوش فرادادن و دقت کردن در آن است. اتباع از سخن احسن و خوب و راست، قوی و ثابت، محکم و منطقی و سره از ناسره است. زمانی ممکن است که استماع یا گوش فرادادن دقیق و عمیق صورت گرفته باشد. استماع همگام میسر است که فضای مناسب برای گفتمان و تبادل نظرا راه افتاده باشد و دیدگاه ها و نظریات هرکس به صورت آزادانه و بدون سانسور از طریق گفتار، نوشتار، نقاشی و رسامی و از طریق رسانه های دیداری، شنیداری و چاپی به نشر و به سمع صاحب عقل و خرد رسانیده شود که بعدا مورد مذاقه و

سنجش قراربگیرد و غربال شود که سخن خوب از خراب، درست از نادرست، منطقی از غیر منطقی، محکم از سست جدا و تمیز شود. آزادی بیان در اندیشه اسلامی بهترین جهاد خوانده شده است؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: **أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ**. (سجستانی، ۱۳۹۷، شماره: ۴۷۸۴).

"بهترین جهاد اظهار سخن حق در مقابل قدرتمند ستمگر است."

قرآنکریم در آیت دیگری آزادی بیان را تحت عناوینی چون: گفتگوی حکیمانه، موعظه حسنه و جدال احسن بیان کرده است: **ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ**. النحل-۱۲۵

"(ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه تو بیش از این نیست) که البته خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده و آنان را که هدایت یافته‌اند بهتر می‌داند."

با در نظر داشت مفهوم آیات فوق، می‌توان ادعا کرد که آزادی بیان در قرآنکریم به گونه‌های مستقیم و گاهی هم غیر مستقیم، بیان گردیده است. بنا براین بر مسلمان ضروری است که الزامات آزادی بیان مد نظر قرآنکریم را تحت هر نوع شرایط در نظر گیرد و به آن عمل کند. بنا براین می‌طلبد که در افغانستان با در نظر داشت اصول و احکام شریعت اسلامی در زمینه عمل صورت گیرد که از یک طرف به ارزش‌های اسلامی پابندی به عمل آید و از سوی دیگر اصل آزادی بیان که قرآنکریم بدان اشاره نموده است، از هر نوع نقض و تعرض محفوظ و مصئون باقی بماند. یعنی ما آزادی بیان را در مطابقت و هماهنگی با احکام شریعت اسلامی و دیدگاه قرآنکریم منظور نظر داریم نه خارج از چهار چوب آن.

۳.۱. شروط و قیود آزادی بیان در قرآن

سؤال اصلی در این باب این است که آیا آزادی بیان و گفتار دارای اصول و قواعد است که بر اساس آن باید رفتار کرد و یا این که تابع هیچ قیود و شروطی خاصی نیست و هر کسی هر گونه که دلش بخواهد، باید سخن بگوید و داشته‌های خود را مطابق به میل و هوای خود، به دیگران ابلاغ نماید و تابع هیچ قاعده و حدودی در بیان و گفتار خود نباشد؟ آزادی بیان در تفکر قرآن به صورت افسار گسیخته و غیر عقلانی آن که در برخی از جوامع غربی است، نیست؛ چون اسلام به عنوان دینی که زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را تحت پوشش اصول و قوانین خودش، قرار داده است، از

مسلمانان می‌طلبند که سخن راست و درست بگویند. مقتضای آزادی بیان در اندیشه اسلامی نیز همین است. اگر کسی، به بهانه آزادی بیان، دیگری را در انتظار عمومی توهین، تحقیر و حاکم حرمت کند و فحش و ناسزا بگوید، به مقدسات و ارزش‌های دینی و ملی اهانت کند، نباید آن را آزادی بیان تلقی کرد. در هیچ دین، قانون، آیین، اصول و مقرراتی اهانت به دیگران مؤجبه و معقول و مقبول نیست. آزادی بیان و یا رسانه باید اصول و قواعد شریعت اسلامی را نقض نکند و نادیده انگاشتن احکام شریعت اسلامی به معنای این است که آزادی مطبوعات و رسانه به صورت قانونمند و ارزشگر در حال اجرا نیست. برای آزادی بیان نیز شرایطی در نظر است که مطابق بدان باید رفتار، رفتار و نشرات صورت گیرد. آزادی بیان و اظهار نظر به صورت مطلق وجود ندارد، آزادی بیان و نظر مقید و محدود شده است به مصلحت عمومی جامعه و مردم که از لحاظ شرعی آزادی بیان سه شرط اساسی دارد:

الف- قصد گوینده سخن و اظهار کننده نظر نصیحت خالص و خیرخواهی برای مصلحت و منفعت جامعه بوده باشد، چنانچه در یک حدیث رسول (ص) فرموده اند:

الدِّينُ النَّصِيحَةُ . ثَلَاثٌ مَرَّاتٍ قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَنْ؟ قَالَ : لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ . أَوْ قَالَ : لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ . (النیشابور، بی تا شماره ۹۵).

"دین، نصیحت و خیرخواهی است. عرض کردیم: نصیحت و خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمود: برای خدا، برای کتاب او، برای پیامبر او، برای پیشوایان مسلمانان و برای توده آنها."

ب- نظر و بیان به گونه مسلم باشد که در امور و تصرفات حاکمان ابراز گردد، نه بر محور افراد خاص.

ج- اظهار نظر و بیان منافای اخلاقی اسلامی نباشد. پس کسی این حق را ندارد که به بهانه آزادی بیان به عرض و حریم خصوصی دیگران وارد شود و یا مردم را دشنام دهد و یا عیب‌های آن‌ها را به رخ دیگران بکشد. پس آزادی بیان در چوکات و حدود مجاز است که برای دیگران ضرر و زیانی وارد نکند. (فهدوی، ۲۰۰۸: ۴۵۳). در فقه اسلامی یک قاعده شرعی است که می‌گوید: لا ضرر ولا ضرار. (الزرقا، ۱۴۱۹: ماده ۱۹-۳۹). "زیان رسانیدن به دیگری و زیان‌پذیری از دیگری درست نیست."

"به موجب این قاعده معروف شرعی هیچ کسی حق ندارد و نمی‌تواند که با استفاده از آزادی بیان به دیگران ضرر و زیان برساند. بنا بر این آزادی بیان از محدودیت‌هایی نیز برخوردار است."

۴. آزادی بیان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی

در ماده بیست و دوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (۱۹۹۰ میلادی) در مورد حمایت از اصل آزادی بیان و محدودیت آن چنین تذکر رفته است:

الف: هر انسانی حق دراد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.
ب: هر انسانی حق دارد برای دعوت به خیر و نهی از منکر بر طبق شریعت اسلامی دعوت کند.
ج: تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده از آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا به کارگیری هر چیزی که منجر به اختلال در ارزشها یا برای پراکنده شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د: برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست. با توجه به آنچه در بالا از آیات قرآن کریم و متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی ذکر گردید، در مجموع می توان گفت که آزادی بیان در اسلام به صورت مطلق و بدون قید و شرط پذیرفته نشده، بلکه مقید به رعایت احکام، ارزشها و باورهای شریعت اسلامی است. چنان که در اسناد حقوق بشر اسلامی مشاهده می شود، هر نوع آزادی بیانی که با احکام و مبانی شریعت اسلامی در تضاد باشد، ممنوع اعلام شده است. همچنان، آزادی بیانی که سبب اختلاف، تفرقه، ایجاد بدبینی در میان افراد جامعه، توهین، تحقیر یا وارد ساختن ضرر به دیگران گردد، از نگاه شرعی ممنوع و حرام دانسته می شود. قرآن کریم در این مورد می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. الحجرات: ۱۱.**
ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را استهزاء کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [مسخره کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت ندهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند."

استاد عبدالقادر عوده یکی از متفکران مصری، در مورد مرزهای آزادی بیان در تفکر اسلامی گفته است که آزادی بیان به صورت مطلق و بدون قید و شرط، در کار نیست و پیامبر خدا صلی الله علی علیه وسلم، نخستین فردی بود که منادی و مروج آزادی بیان بود ولی خود پیامبر خدا صلی الله علی علیه وسلم، نیز نخستین کسی بود که آزادی بیان آن مقید و محدود گردید. نظر استاد عوده در زمینه

این است که اگرچه حق هر انسانی است آنچه را که حق و عدالت می خواند اظهار و با گفتارزبانی و قلم و و عقیده و باور خویش دفاع کند، و اما آزادی بیان، آزادی بدون کدام قید و شرطی نیست؛ بلکه مشروط است به این که بیان گفتاری و نوشتاری انسان، بیرون از آداب همگانی و ارزش اخلاقی و مغایر و مقابل با نصوص و قواعد شرعی نباشد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم نخستین فردی بود که گستره آزادی بیانش محدود و مقید شد. پیامبر که برای دعوت و بشارت آزادی برانگیخته شد تا گفتار و رفتارش الگو باشد و مردم بفهمند که هیچ کس از این قیود مستثناء نیست، چرا که اولین شخصی که ملزم شد که آن را عملی کند پیامبر صلی الله علیه وسلم بود. الله متعال به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، اجازه نفرموده است که در امر اظهار دیدگاه هایش بی حد و مرز باشد، بلکه شیوه دعوت اسلامی را برایش تعیین و تشخیص نمود؛ و نحوه گفتار و شیوه اقامه حجت ها را تعیین فرمود و او را ملزم ساخت که در دعوتش از حکمت و موعظه حسن بهره گیرد و به بهترین شکل و شیوه بدان ها توسل ورزد و احتجاج نماید و از نادانان دوری اختیار کند و سخن ناپسند و نادرست نگوید و دعوت کنندگان به شرک را ناسزا و دشنام نکند. این است که خداوند تمام حدود آزادی بیان را برای پیامبرش صلی الله علیه وسلم عیان و عنوان کرده است و ما را براین نکته آگاه نمود که آزادی بیان، بی قید و شرط و افسار گسیخته نیست. محدودیت آزادی بیان، توسط شریعت اسلامی، بدون تردید، تأمین کننده منافع فرد و عامه مردم و سبب تقدم و ترقی، گسترش مهر و محبت، تعاون و احترام متقابل میان افراد و جامعه می گردد. شریعت اسلامی برای هر انسانی اجازه داده است که هر چه را که دلش می خواهد بیان کند و بگوید و در آن اظهار نظر کند و در این خصوص هیچ مانع و محدودیتی نیست؛ اما به شرط این که دشنام و ناسزا، عیب جویی، تهمت و دروغ در آن در کار نباشد و با حکمت و موعظه حسنه به ابراز نظر و جدال احسن یا گفتمان نیکوتر، بپردازد و سخن و گفتار ناشایسته و نادرست را به مردم ابلاغ و اظهار نکند. (عوده، ۱۴۰۵: ۳۹/۱ و ۳۸ و ۴۰).

مرزها و شروطی که تفکر اسلامی برای آزادی بیان وضع کرده است، در حقیقت مطابق به اصول و ارزش های انسانی و مجال و فرصتی بسیارخوبی برای زندگی مسالمت آمیز اجتماعی برای همه شهروندان، فراهم می کند و طرح و نظریه اسلام خارج از افراط و تفریط است؛ چون شماری از نهاد ها و سازمان ها و قوانینی است که در زمینه آزادی بیان بسیار سخت گیر است و مرزبندی های سختگیرانه بهانه و سبب از بین رفتن آزادی بیان شده است و شمار دیگری نیز اند که آزادی بیان را

به صورت مطلق و افسار گسیخته آن تجویز و ابلاغ کرده اند که هر دو دیدگاه منجر به ویرانی، نابسامانی، اهانت غیره شده است. ولی شروطی که اسلام برای آزادی بیان ارائه کرده است، از هر لحاظ معقول، منطقی، میانه و رعایت حد اعتدال در نظر گرفته شده است. باز هم در این زمینه دیدگاه استاد عبدالقادر عوده را می آوریم: "ما وقتی می توانیم نظر شریعت اسلامی را در مورد مرزهای آزادی بیان به خوبی درک و فهم نماییم و بیان کنیم که، دیدگاه های قانون گذران جدید را که پس از تجربه های طولانی، ابراز کرده اند، بیان و عیان کنیم. قانون گذاران جدید در زمینه مرزهای آزادی بیان به دو دسته تقسیم شده اند: یک دسته نگاهش این است که آزادی بیان باید هیچ قید و شرطی نداشته باشد، مگر در صورتی که به نظام عامه آسیب وارد نکند و این دسته به اخلاق چندان اهتمام نمی ورزند و تطبیق این دیدگاه همیشه به، بدبینی و کینه توزی و ویرانی و سپس به شورش و انقلاب و نا امنی منجر شده است. دسته دوم به تقید و تحدید کامل آزادی بیان و بویژه مخالفان خود تأکید می کنند که، تطبیق این نظر نیز باعث از بین رفتن آزادی بیان و در نهایت به استبداد و خشونت، می گراید. و دیدگاه شریعت اسلامی در باب آزادی بیان، در حقیقت جمع میان این دو دیدگاه است که، دولت ها در سطح جهان در مورد مرز بندی های آزادی بیان، از شریعت اسلامی اقتباس کرده اند؛ چون دیدگاه شریعت بین اصل آزادی بیان و مرزهای آن یک نوع توافق و سازگاری منطقی ایجاد کرده است. و نه آزادی بیان را به صورت مطلق و لجام گسیخته گذاشته است و نه هم بسیار مقید و محدود گذاشته است. پس قاعده اساسی را شریعت اسلامی وضع کرده است که در آن هم اصل آزادی بیان و مرزهای آن هر دود رعایت شده است. آزادی بیان اصل و لازم الاجرا است، مگر در صورتی که بر ارزش های اخلاقی و آداب و نظام عامه ضرر و زیانی وارد نکند. در واقع شروط و قیود که بر آزادی بیان وضع شده است، برای حمایت از ارزش های اخلاقی، فرهنگ و نظم اجتماعی است". (همان، ۴۰).

یکی دیگر از مرزهای محدود کننده آزادی بیان، درستی و نادرست بودن سخنی است که بیان می گردد و کسی سخنی را بیان میدارد و عملی سیاسی را انجام میدهد قبل از همه باید از اصل صحت و سلامت بودن آنها مطلع باشد و از هوا و هوس خود سخن نگفته باشد و به کسی تهمت و افترا نبسته باشد. "کسی که در عرصه بیان بدنبال نقد و در عرصه عمل بدنبال اظهار رأی و اقدام سیاسی است، نباید بر اساس گمان و هوا و هوس اقدام کند. قبل از هر اقدامی باید به محتوای مورد نظر عالم و یا داری طریق معتبر باشد". (قاضی زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۳). هیچ کس حق ندارد که به بهانه آزادی بیان

به عقاید، اندیشه، ساحات قدسی و حریم خصوصی دیگران وارد شود و تهمت و توهین، تجسس و عیب جوئی، بدگمانی و غیبت کند؛ چون قرآن کریم به شدت از مبادرت ورزیدن به این موارد، منع کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ. الحجرات: ۱۲.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است، و جاسوسی و پرده دري نکنید، و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا هیچ يك از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خواری بدتان می آید از خدا پروا کنید، بی گمان خداوند بس توبه پذیر و مهربان است.» اگر کسی خبری یا نظری را از زبان دیگران و یا از طریق رسانه های دیداری و شنیداری و چاپی میشوند، نباید بر مبنای آن خبر اقدامات عملی انجام بدهد؛ چون تا وقت که صحت و سقم خبر و گزارش موثق و مؤید نگردیده است و هرواکنشی خجلت و پشیمانی بدنبال دارد. بنا بر این به فرموده قرآن کریم در نخست باید "تبیین"، روشنگری، جستجو، تحقیق و تفحص صورت گیرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ. الحجرات-۶

"ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برای شما خبری آورد، خوب بررسی و تحقیق کنید؛ مبادا در اثر نادانی، به گروهی آسیب برسانید [و] آنگاه بر آنچه انجام داده اید، پشیمان شوید." در این آیه کریمه هر عمل و عکس العملی خبری، گزارشی، گفتاری و نوشتاری قبل از تبیین و معلوم شدن درستی و نادرستی آن، حرام تلقی شده است. بنا بر این فحوای این آیه آزادی بیان را محدود می کند.

قرآن هر نوع شایعه سازی و دورغ پراکنی را در حق اشخاص حقیقی و حقوقی نیز منع کرده است و همچنان هر نوع بیان و اطلاع رسانی که در آن خوف ترویج و اشاعه ی فساد و شوک اخلاقی به جامعه وجود داشته باشد، ممنوع شده است و برای عاملان و حاملان آن در آخرت مجازات در نظر گرفته شده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. النور-۱۹

"بی گمان، آنان که دوست دارند عمل زشت [و اخبار مربوط به آن] را در میان کسانی که ایمان آورده اند، شایع شود [و در این راه تلاش می کنند]، برای آنها در دنیا و آخرت عذابی دردناک است و خدا می داند، در حالی که شما نمی دانید."

ازسوی دیگر به همه اصول و قوانین چه در گذشته و چه در حال حاضر در افغانستان توجه دقیق و عمیق صورت گیرد، به وضوح دیده می شود، درعین این که آزادی بیان را تضمین و حمایت کرده است؛ اما در صورت که مطالبه‌ی معلومات و نشر آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد کند، آزادی بیان و رسانه را مقید و محدود کرده است.

بنابراین مصالح عمومی، نظم عامه، عدم اضرار به دیگران، بدگمانی، تجسس (خبرچینی)، غیبت و بدگویی، تهمت، دروغ بستن به دیگران، اهانت، تمسخر و عیب جوی و... از جمله مواردی است که آزادی بیان و رسانه را از نظر قرآن کریم محدود می کند.

۴. آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

همه‌ی انواع آزادی‌ها از حقوق ذاتی انسان شمرده می شوند که هیچ یکی از افراد حقوقی و حقیقی حق آن ندارند که انسان‌ها را در تحت هر نوع شرایطی از آن محروم کنند. حق آزادی بیان نیز از جمله‌ی حقوق مسلم و انکارناپذیر فردی، اجتماعی و فرهنگی هر انسان است. ادیان آسمانی، مکاتب فکری بشری در هر عصر و زمانی متناسب با مقتضیات شرایط زمانی و مکانی، حق آزادی بیان را با شیوه‌ها و شرایط خاصی خودشان، به رسمیت شناخته‌اند و بگونه‌ها و مناسبت‌های مختلف در اسناد، قوانین و طرزالعمل‌های خود آن را بازتاب داده‌اند که از جمله حق آزادی بیان به صورت رسمی و در سطح جهانی آن در تاریخ حیات حقوق و روابط بین الملل پس از ختم جنگ جهانی دوم در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشرسازمان ملل متحد، مطرح و منظور گردید. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ میلادی از طرف سازمان ملل متحد تصویب شد، در ماده نهم آن از حق آزادی بیان به صورت خیلی موجز و مختصر سخن رفته است: "هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که اذداشته عقاید خود بيم و اضطرابی نداشته باشد و درکسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد." (اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر - ماده نهم). در ماۀ مذکور به دو مسئله اشاره شده است که عبارت اند از آزادی عقیده و و آزادی بیان. یعنی هرکس عقیده، اندیشه و اراده و تراویده زهن و فکر

خودش را در صورت که خواسته باشد، به دیگران انتقال بدهد، هیچ گونه مانع و یا موانع نباید سد راه آن گردد و از دریافت هر نوع معلومات و اطلاعات و سپس نشر و گسترش آن بوسیله‌ی رسانه‌های فردی و جمعی و انتظار عامه، جلوگیری صورت گیرد. ماده نهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل در زمینه‌ی حق آزادی بیان به موارد مهم زیر اشاره دارد:

۱. آزادی بیان به عنوان حق شناخته شده است: آزادی بیان برای انسان به صورت حقی از حقوق انسانی مطرح شده است که هر انسانی در هر کجای از جهان بدون کدام مرز و ملحوظی می تواند که آزادانه و بدون خوف و خطر افکار، آثار، عقاید، نظریات و معلومات خودش را با استفاده از رسانه‌ها، به نشر برساند و این حق برای هر انسانی برای همیشه و به عنوان یک اصل اصیل حقوق بشری محفوظ و مصئون است.

۲. اخذ اطلاعات و کسب افکار: دریافت اطلاعات جهت آگاهی دهی به جامعه و مردم و سیر تحول و تغییر اندیشه و افکار جامعه، یکی از مهمترین و عمده‌ترین بخش‌های کاری اطلاع رسانی محسوب می گردد. هرچند بسی اوقات خبرنگاران برای دریافت اخبار و معلومات از منابع موثق و مراجع دست اول آن، با مشکلات و موانع مواجه میشوند و اکثرا مراجع و مقامات دولتی و مسئولان حکومتی از دادن اطلاعات بنا بر ملحوظات شخصی و منافع خود داری می کنند و یا هم گاهی اگر معلومات را با رسانه‌ها و خبرنگاران شریک کنند، آن را با سانسور و قطع و برید، اعمال می کنند. تجربه خبرنگاری نشان داده است که در اکثریت قریب به اتفاق مسئولان اخبار و اطلاعاتی را از طریق خبرنگاران و رسانه‌ها با مردم شریک می سازند که به نفع خودشان تمام شود و از ادادن اطلاعات و معلوماتی هرچند واقعی هم باشد که به آنان زیان و ضرر وارد کند، خود داری می کنند. یعنی این کلمات و عبارات این را می رساند که هر انسانی حق دست‌رسی به اطلاعات و معلومات را دارد.

۳. نشر و تکثیر اطلاعات و افکار: هر انسانی به عنوان عضو جامعه‌ی انسانی حق دارد که اندیشه‌ها، یافته‌ها، اندوخته‌های خودش را با استفاده از رسانه‌ها به سمع دیگران برساند و افکار و نظریات خود را در معرض دیدگاه‌ها و قضاوت همگان قرار بدهد. این مقصود به شکل معمول از طریق چاپ و نشر کتاب، روزنامه‌ها و مجلات و... ممکن و میسر است.

۴. وسایل و ابزارهای آزادی بیان: این مورد اشاره صریح به رسانه‌هایی دارد که در هر عصر و زمانی برای تبلیغات و اطلاع رسانی مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، خبرگزاری‌های دیجیتالی و سایر شبکه‌ها، بنگاه‌های خبر رسانی و اطلاع دهی و رسانه‌های اجتماعی که امروز در سطح جهانی

معمول و در دسترس همگان قرار گرفته است، می باشد. از طرف دیگر تنها نشرات و مطبوعات مشمول آزادی بیان نیست، بلکه یکی از دیگر موارد مهم که شامل وسایل و ابزارهای بیان می گردد، سخن گفتن و بیان زبانی است که درماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت مجمل و غیر صریح ذکر شده است.

۵. ملاحظات مرزی- شاید منظور از بدون ملاحظات مرزی این بوده باشد که آزادی بیان به عنوان یک حقی از حقوق طبیعی و قراردادی انسان، در سطح جهانی باید ملحوظ و مد نظر گرفته شود و در یک سرزمین و جغرافیا نمی گنجد و مسئله انسانی و جهانی است و در هیچ جای دنیا نباید کسی آزادی بیان را سرکوب و منکوب نماید؛ چون آزادی بیان به عنوان حق بشری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تسجیل شده است، حد و مرز نمی شناسد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل در ماده هژدهم آن به بحث آزادی عقیده، انتخاب دین پرداخته و گفته است که هرکس حق دارد که از آزادی فکر و دین برخوردار و بهره مند شود و این حق می تواند که دربرگیرنده اظهار افکار و ابراز عقیده شخص نیز شود. یعنی در ماده هژدهم وقتی که از آزادی اظهار عقیده و ایمان سخن به میان می آید، معنای ساده اش این است که هر انسانی می تواند که اندیشه و ایمان و دین خودش را طبق میل و خواست خودش برای دیگران بیان و بازگو کند. در ماده مزبور واژه اظهار به کار رفته است که در حقیقت همان معنا و مفهوم بیان را افاده می کند. ماده هژدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به نحوی از انحا به مسئله آزادی بیان پرداخته و بدان مشعر است.

ازسوی دیگر ماده هژدهم و نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت متواتر و پی هم از آزادی عقیده سخن به عمل آورده است؛ این خود نشانگر آن است که آزادی عقیده و بیان با هم تلازم و تساند کامل دارند و جزء لاینفک یک دیگر به حساب می آیند.

در فوق تذکر داده شد که بحث آزادی بیان در متن اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت بسیار کوتاه و مطلق بیان شده است؛ اما این مسئله درماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل- مصوب ۶۱ دسامبر ۶۱۱ میلادی (مطابق با ۵۲/۶/۶۴۳۲ شمسی) مجمع عمومی، است، اندکی به مواردی از قلمرو آزادی بیان پرداخته است. در بند دوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و حقوق سیاسی در باره اصل آزادی بیان چنین تذکریافته است: "هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات

یا به صورت شفاهی و یا به صورت نوشته یا چاپ، یا به صورت هنری یا بهر وسیله دیگر به انتخاب خود میباید. (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹).

ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در حقیقت ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل را تا حدی تفسیر و توضیح میدهد که در آغاز اصل آزادی بیان را به عنوان یک حق از حقوق ذاتی انسان بیان نموده و سپس به مفرداتی می پردازد که آزادی بیان مشمول آنها می گردد؛ که به صورت جداگانه به آن موارد اشاره کوتاه می گردد:

۱. آزادی تفحص: یعنی تحقیقات علمی در حوزه های مختلف فرهنگی و ادبی، تاریخی و سایر حوزه های دیگر باید آزادانه صورت گیرد و سپس یافته های تحقیقات علمی بدون سانسور و دخالت، نشر و تکثیر گردد.

۲. آزادی تحصیل: منظور از تحصیل ممکن است که تحصیلات علمی و انتخاب رشته های مختلف علمی بوده باشد که هرکس حق دارد که به صورت دلخواه به رشته مورد علاقه روی آورند یا هم می تواند که هدف از تحصیل در اینجا مطلق حاصل کردن و بدست آوردن هر نوع اطلاعات و معلوماتی بوده باشد که در تفسیر ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره گردید.

۳. آزادی اشاعه اطلاعات: هرکسی آزاد است که هر نوع اطلاعات و معلوماتی را که از هر طریقی کسب نموده است، بدون اعمال نفوذ دیگران، ایجاد محدودیت و مهودیت به نشر و اشاعه آن در رسانه های شنیداری، دیداری و نوشتاری اقدام کند.

۴. آزادی افکار: اندیشه و تفکر انسان را از هر نوع اختناق فکری کاملاً آزاد است. آزادی اندیشه یکی از انواع آزادی بیان است و هیچ کسی حق ندارد که اندیشه و تفکر انسان را به بند و زنجیر و زولانه بکشد و آن را محدود کند.

هر گفتار، نوشتار، هنر یعنی رسامی، نقاشی و خطاطی وسایل و ابزارهایی اند که آزادی بیان توسط آنها تحقق می یابد و عملی می گردد.

۴.۱. محدودیت های آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

مرزبندی هایی برای آزادی بیان، در دیدگاه ها و اسناد بین الملل حقوق بشر نیز وجود دارند که نشان میدهد آزادی بیان به صورت مطلق و بی رویه هرگز وجود ندارد. یکی از مواردی که در اسناد و میثاق های ملی و بین المللی بر آزادی بیان محدودیت وضع کرده است، مسئله امنیتی است. یعنی آزادی بیان تا وقتی مجاز و معتبر است که به امنیت ملی صدمه و زیان نرساند و یا رازهای امنیتی را

فاش و برملا نسازد و سبب خشونت و نزاع نگردد. آزادی بیان ممکن است در موارد ذیل امنیت ملی را تهدید کند؛ در صورتی که حکومت بتواند اثبات کند:

الف -بیانات مطرح شده به قصد تحریک خشونت قریب الوقوع صورت گرفته است.

ب - احتمال تحریک چنین خشونت و وجود دارد.

ج - میان این بیانات و احتمال خشونتی رابطه مستقیم وجود دارد. (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

محدودیت هایی که برای آزادی بیان از طرف نظام های سیاسی و حقوقی وضع شده است، عمل منطقی و در ساده ترین شکل آن بخاطر پیشگیری از زیان و ضررهای احتمالی است که از طریق عدم رعایت محدودیت آزادی بیان، متوجه افراد و جامعه می گردد. مثلاً شاهد هستیم که بتاریخ ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۰۵ میلادی یک نشریه دانمارکی، کاریکاتور موهن به ساحت مقدس حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را ترسیم و نشر کرد که، این عملکرد نابخردانه و توهین آمیز خشم مسلمانان جهان را برانگیخت و دهاتن از مسلمانان به شهادت رسیده اند و خسارات مالی زیادی نیز برای شرکتهای تولیدی و تجارتی دانمارک در پی داشت و بعداً صدراعظم این کشور و مدیرمسئول همان نشریه، از مسلمانان جهان معذرت خواستند. همچنان در سال ۲۰۱۶ میلادی مجله شارلی ابدو در فرانسه عین عمل را با بهانه موجودیت آزادی بیان انجام داد که روزنامه دانمارکی چندسال قبل مرتکب شده بود. در این هر دو حادثه هم مسلمانان احساس توهین و حقارت کردند که به مقدسات شان اهانت صورت گرفته است و سخت ناراحت شدند و هم شهروندان دانمارکی و فرانسوی زیانهای مالی را متحمل شدند.

محدودیت آزادی بیان در اعلامیهی جهانی حقوق بشر مطرح نگردیده است؛ ولی در بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل بیان شده است و چنین قید گردیده است: اعمال حقوق مذکور در بند ۵ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیتهای معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف - احترام حقوق با حیثیت دیگران.

ب - حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹

در تعریف آزادی در بالا نگاهشیم که آزادی بیان عبارت است از مجموعهی کردارها و گفتارهایی است که به حقوق و آزادی های دیگران ضرر و زیان وارد نکند. این تعریف به خوبی می رساند که

یگانه چیزی که آزادی بیان را محدود می کند، همان نقض حقوق و آزادی های دیگران، اخلال در نظم و امنیت عمومی جامعه، زیر پا شدن اخلاق، حیثیت و آبروی دیگران است. یعنی هیچ کس حق ندارد که با استفاده از آزادی بیان عملی را انجام بدهد که حقوق، آزادی های مشروع، عزت و کرامت دیگران و یا هم امنیت ملی و نظم اجتماعی را برهم زند و یا خدشه دار کند. ماده سوم که در بند سوم ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است نیز روی همین مسئله تاکید می کند که دولت هایی که میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضاء کرده اند و تساوی حقوق زنان و مردان را بر مبنای آن پذیرفته اند، هم باید در کنار ملزم بودن به اصل رعایت آزادی بیان، به محدودیت های آن نیز متعهد بوده باشند.

همان گونه که در بالا تذکر رفت حق آزادی بیان از جمله ی حقوق ذاتی و فطری و قراردادی انسان است و هیچ کسی حق ندارد که آن را سلب و یا حتی محدود کند؛ اما در شرایط اضطراری و استثنائی گاهی بنا بر ضروریات مبرم، آزادی بیان ممکن است که محدود شود. "هنگامیکه یک کشور در معرض خطر داخلی یا خارجی باشد بطوریکه تمامیت ارضی آن در معرض خطر قرار گیرد، در این حالت میتوان بطور موقت آزادی بیان و مطبوعات را معلق نمود. اما چنانچه این کشور در معرض خطرهای فوق نباشد و کشور در شرایط عادی باشد، آزادی بیان و مطبوعات پابرجا میباشد و فقط میتوان نسبت به اجرای این حقوق قائل به محدودیتهایی شد، مثلاً در مطبوعات نمیتوان به تبلیغ مکاتب فاشیستی یا نازیستی پرداخت." (کوچنژاد، بی تا: ۲)

۵. نتیجه گیری

آزادی بیان از جمله آزادی های سیاسی و از جمله ی حقوق مدنی و اجتماعی انسان ها به شمار می آید. آزادی گفتار، نوشتار، مکاتبات و مراسلات، مکالمات، مطبوعات، نشرات، رسانه و گفتار علمی، بیان اندیشه و اظهار عقیده از مصداق های اصلی و عمده ی آزادی بیان محسوب می گردد. آزادی بیان عبارت از مجموعه گفتار، نوشتار و هنرهایی است که از انسان صادر می شود. آزادی بیان از جمله حقوق طبیعی و اجتماعی و یکی از انواع مهم آزادی های سیاسی است که توسط قرآن کریم به رسمیت شناخته شده است. قرآن کریم در یک نگاه کلی و عمومی اقوال معاندان و مخالفان خودش را با کمال امانتداری و بدون کم و کاست نقل و بیان کرده است و از سوی دیگر نیز انسان ها را به اندیشیدن و خردورزی و دوری از تقلید های کورکورانه، علم آموزی، شورا

سالاری، طرح دیدگاه‌های جمعی، تضارب آراء و اندیشه‌ها و تبادل افکار، استماع اقوال، مواعظه حسنه و جدال احسن فراخوانده است؛ که همه آنها عناصر متشکله‌ی آزادی بیان محسوب می‌شوند. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشرو میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی سازمان ملل و همچنان اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی نیز آزادی بیان را حقی از حقوق طبیعی و اجتماعی خوانده است و هیچ کسی این حق را ندارد که آزادی بیان و اظهار عقاید و اندیشه‌های انسان را در تحت هر نوع شرایط زمانی و مکانی، از آن سلب و نفی کند. حق آزادی بیان در اسناد بین المللی حقوق بشر برای همه‌ی انسان‌ها بدون کم و کاست و عاری از هر نوع تبعیض، محفوظ است.

ازسوی دیگر قرآن کریم طی آیات متعدد، اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی و نیز اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل برای آزادی بیان و رسانه قیود و شرایطی را وضع کرده اند که بر مبنای آن باید گفتار، رفتار و نشرات دیداری، نوشتاری و چاپی صورت گیرد. آزادی بیان، رسانه و اظهار نظر به صورت مطلق در قرآن کریم، اسناد بین المللی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح نگردیده است. آزادی بیان مقید و محدود به مصلحت همگانی، صلح، امن و نظم عامه و زیان و ضرر نرسانیدن به حقوق و کرامت و حیثیت دیگران، شده است.

قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده اول و پنجم مبنای این قانون و رعایت اصل آزادی بیان را که در اعلامیه جهانی حقوق و احکام دین مقدس اسلام مسجل شده است، میداند. درحقیقت تمام قیود و شروطی که در احکام شرعی و اعلامیه های جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر آزادی بیان و رسانه را محدود کرده است، دربرمی گیرد.

۶. پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این تحقیق، جهت رعایت و حفاظت از اصل آزادی بیان از دیدگاه قرآن کریم و اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشنهاداتی به شرح زیر به مراجع ذیربط ارائه می گردد:

- ۱- آزادی بیان از نظر قرآن کریم اصل پذیرفته شده است، باید در تمام امور و شئون دولتی و خصوصی رعایت گردد.
- ۲- آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی از جمله حقوق طبیعی و اجتماعی انسان شناخته شده است، التزام بدان از لحاظ حقوق بشری، ضروری است و نهادهای مربوطه، باید از آن پاسداری کنند.

۳- هیئت نظارت کننده از ارگان‌های مختلف و ذیربط تشکیل گردد تا موارد نقض، سلب، حدود و ثغور و تخطی‌های آزادی بیان را از سوی نهادهای دولتی و خصوصی، تحت نظارت و بررسی قرار دهد تا از هرج و مرج جلوگیری صورت گیرد و به‌اصل آزادی بیان صدمه وارد نگردد.

تدویر برنامه‌های آموزشی و آگاهی بخشی در خصوص آزادی بیان از منظر قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر برای نویسندگان، خبرنگاران، اصحاب رسانه‌ها و سایر نهاد های مرتبط.

منابع و مآخذ

قرآن عظیم الشان

الف- کتب و مقالات:

- ۱- آشوری، داریوش. (۱۳۰۳). دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات موارد، چاپ بیست و سوم
- ۲- انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران، نشر سخن.
- ۳- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۲۰هـ)، تفسیر القرآن العظیم، المحقق: سامی بن محمد سلامة، دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة الثانية.
- ۴- اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- ۵- الزرقا، أحمد بن محمد. (بی‌تا). شرح القواعد الفقهية، دار القلم، بی‌جا
- ۶- النیشابوری، أبو الحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم. (بی‌تا). صحیح مسلم بیروت: دارالجليل.
- ۷- المتقی الهندی، علاء الدین علی. (۱۴۰۱هـ). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، المحقق: بکری حیانی - صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة.
- در متن بنام الهندی استفاده شده است
- ۸- بابائی، غلامرضا. (۱۳۶۰). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: شرکت نشر و پخش و یس، چاپ دوم.
- ۹- بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱). فرهنگ واژه ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- ۱۰- برلین، آیزایا. (۱۳۶۸). چهار مقاله در باره آزادی، مترجم: محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی، چاپ اول.

- ۱۱- برندگی، بدری، نسبیت و اطلاق آزادی بیان...pdf
- ۱۲- پاکینه، کلود دو. (۱۳۳۲). مقدمه تیوری کلی و فلسفه حقوق، مترجم: علی محمد طباطبایی، تهران، چاپ، بوذرجمهر.
- ۱۳- حائری، عبدالهادی. (۱۳۷۴). آزادی های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه گران، جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۱۴- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۸). تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی-بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء-چاپ پنجم.
- ۱۵- عبدالحی، جوانمیر. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی حق آزادی بیان از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- ۱۶- عودة، عبدالقادر. (۱۴۰۵). التشریع الجنائی فی الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، طبعه الرابعه.
- ۱۷- عمید، حسین. (۱۳۶۴). فرهنگ عمید-۲ جلدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، «آزادی»، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۹- ربانی، برهان الدین. (۱۳۹۵). خط رهبر ۲، کابل: مرکز تدوین آثار رهبر شهید.
- ۲۰- سجستانی، سلیمان بن اشعث. (۱۳۹۷). سنن ابوداود، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام (مکتبه البشری)، نوبت چاپ: اول.
- ۲۱- فرانس، روزنتال. (۱۳۷۰). مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان، مترجم: منصور میر احمدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۲- کوچ نژاد، عباس. محدودیت های حقوق بشر در اسناد بین المللی، JBR_Volume 2_Issue 3_Pages 169-178
- ۲۳- فهدوی، خالد. (۲۰۰۸). الفقه السياسي الإسلامي، سورسه- دمشق: دارالأوائل للنشر و التوزيع، طبعه الثالثة.
- ۲۴- قانون رسانه های همگانی. (۱۳۹۰). ناشر: وزارت عدلیه.
- ۲۵- معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ معین، تهران: فرهنگ نما، چاپ اول.
- ۲۶- منتسکیو، شارل-لوئی دو سکوندا. (۱۳۷۰). روح القوانين، مترجم: علی اکبر مهدی، تهران: امیرکبیر، چاپ سیزدهم.

- ۲۷- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمد مهدی نادری قمی، محمد مهدی کریمی نیا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیق امام خمینی.
- ۲۸- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). یادداشت های شهید مطهری، قم: صدرا، چاپ اول.
- ۲۹- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد مطهری، چاپ: چهارم.
- ۳۰- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
- ۳۱- موحد، محمد علی. (۱۳۸۱). دره‌های حق و عدالت، تهران: نشر کارنامه.
- ۳۲- محمودی، سید علی. (۱۳۷۸). نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و جان لاک، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نوبت: ۱
- ۳۳- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ب: مجلات:
- ۳۴- قاضی زاده، کاظم. (۱۳۸۵)، حقوق و آزادی های سیاسی در قرآن و سنت ، فصلنامه علمی - تحقیقی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره سوم، تابستان.